



دکتر محمد اسحاقی گرمارودی  
دانشیار دانشگاه صنعتی شریف



## فهرست

### دیباچه

الهیون و سعادت ..... ۱۴

### فصل اول: مقام پیامبر اسلام ﷺ

۱- مقام مَظْهَرِیت و مُظْهَرِیت نام الی ..... ۲۵

۲- مقام تعلیم الهی ..... ۳۶

۳- مقام قرب الهی ..... ۴۵

۴- مقام شهود تام ..... ۵۹

بندگی، سبب ساز قرب الهی ..... ۶۶

نبی مکرم اسلام ﷺ در مقایسه با سایر انبیای الهی ﷺ ..... ۶۷

۵- مقام تسلیم محض الهی ..... ۷۱

برترین مقام تسلیم ..... ۷۶

- ۶- مقام فضیلت ..... ۷۸
- فضل در آیات قرآن کریم ..... ۸۰
- فضل کبیر الهی ..... ۸۲
- فضل خداوند نسبت به سایر انبیاء علیهم السلام ..... ۸۴
- ۱- فضل الهی نسبت به حضرت یوسف علیه السلام ..... ۸۵
- ۲- فضل الهی نسبت به حضرت داوود و سلیمان علیهم السلام ..... ۸۶
- ۳- فضل الهی نسبت به آصف بن برخیا ..... ۸۸
- ۷- مقام شهادت ..... ۸۹
- شهادت هفت جا ..... ۹۱
- راه کسب مقام شهید ..... ۹۵
- ۸- مقام حقیقت ..... ۹۸
- ۹- مقام محمود ..... ۱۰۲
- ۱۰- مقام خلق عظیم ..... ۱۰۴

### فصل دوم: عصمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

- ۱- شبهه فراموشی ..... ۱۱۰
- عدم قدرت شیطان در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله از دید قرآن کریم ..... ۱۱۲
- ۲- شبهه تخلف ..... ۱۱۷
- ۳- شبهه القای شیطان ..... ۱۳۵

۴- شبهه خشیت از مردم..... ۱۴۴

۵- شبهه گناه و استغفار از آن..... ۱۵۴

۶- شبهه حرام کردن حلال الهی..... ۱۶۵

۷- شبهه ترشروی مذموم..... ۱۷۳

۸- شبهه گمراهی..... ۱۸۱

۹- شبهه بار سنگین گناه..... ۱۸۶

### فهرست‌ها

فهرست آیات..... ۱۹۱

فهرست روایات..... ۲۰۱

فهرست منابع..... ۲۰۳

یکی از آخرین ویژگی‌های مشترک میان تمامی انسان‌ها این است که خواهان سعادت اند. افراد بشر با تمامی اختلافاتی که دارند در این خواسته یکسانند و هرگز نمی‌خواهند که یک زندگی سعادتمندانه داشته باشند.

این امر که «سعادت چیست و چگونه می‌توان به آن نایل شد؟» بسیار بحث برانگیز و اختلافی است. بعضی سعادت را در ثروت، گروهی در قدرت، عده‌ای در آزادی ارضای شهوت می‌دانند. همچنین در چگونگی نایل به آن نیز اختلاف است و صاحب‌نظران مباحث انسانی و صاحبان مکاتب بشری آراء گوناگونی ارائه کرده‌اند.

مارکسیست‌ها سعادت را در سلب مالکیت شخصی و تحقق مالکیت عمومی دانسته، راه وصول به چنین جامعه‌ای را در محدودیت اختیارات افراد پیشنهاد داده و حاکمیت دولت در همه ابعاد با اهمیت تحقق این آرمان پذیرفته‌اند.

ماکیاول‌ها سعادت را در قدرت طلبی و حاکمیت تفوق‌جویی می‌بینند، فروید و پیروان او در آزادی غریزه جنسی و عدم محدودیت ارضای غرایز شهوانی و نیهیلیست‌ها در پوچ‌گرایی و بی‌خیالی.

آراء گوناگون و تجربیات تلخ بشر در طی قرون مختلف، خود شاهی بر اهمیت این مطلب است. به علاوه انسان منهای وحی حتی در شناخت صحیح اینکه سعادت چیست نیز ناتوان می باشد تا چه رسد به آنکه راه وصول به آن را بیابد. عارف شیرین سخن شیراز، حافظ پر رمز و راز در این باره به زیبا می گوید:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذرینه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند<sup>۱</sup>

#### الهیون و سعادت

انسان های معتدله به پیروان انبیاء علیهم السلام در اصل طلب سعادت با بقیه مشترک اند. این خصصه مشترک، همه انسان هاست و به گروهی خاص یا فرقه ای معین اختصاص ندارد. هر کس نیز خواهان کمال فردی و اجتماعی هستند و برای دستیابی به زندگی سعادت مندانه تلاش می کنند.

نکته بارز تفاوت مکتب الهی با سایر مکاتب بشری در این است که آن ها معتقدند: بشر عادی و انسان فاقد کمک و راهنمایی وحی و هدایت اولیای الهی علیهم السلام، بر همه حقایق احاطه کامل ندارد. پس با تجربه فراوان و آزمون و خطای بسیار به برخی از امور واقف گردد. و انچه تعبیر فلاسفه «اقل دلیل بر امکان شیء وقوع آن است»، وقوع این همه اختلاف آراء، وجود مکاتب متضاد و نتایج خطرناک و درد مندانه آن ها گواه صادقی بر این ادعاست.

توجه داریم که عمر انسان سرمایه اصلی اوست و هر فرد و جامعه‌ای دو عمر ندارد که با یکی تجربه کند و با دیگری حاصل تجربه را به کار گیرد، لذا هدف غلط و رفتار در راستای آن و حتی رفتار غلط در راستای هدف درست هر دو خسارت جبران‌ناپذیری به همراه دارند. قرآن کریم در این زمینه چنین می‌فرماید:

﴿وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۱</sup>

در این سوره به روزگار \* که آدمی در زیانمندی است \* جز آنان که ایمان آوردند و عمل‌های شایسته کرده‌اند و یکدیگر را به راستی پند داده‌اند و همدگر را به شکیبایی اندرز داده‌اند.

در چنین شرایطی باید به چنین واقعیت تلخی، باید به این نکته توجه داشت که اگر جهان هستی را دارد و اگر خداوند، حکیم مطلق و واجد همه صفات کمالیه است، پس باید به انسان‌ها کمک کند و آن‌ها را هدایت نماید.

در آیه ۵۰ از سوره مبارکه طه چنین آمده است:

﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾

بگو: پروردگار ما کسی است که آفرینش هر چیز را به (فرزندان) خود ارزانی داشته سپس راهنمایی کرده‌است.

خداوند تنها خالق نیست، بلکه هادی نیز می‌باشد و هدایت مخلوقات را عهده‌دار است. در آیات ۲ و ۳ از سوره مبارکه اعلی آمده است:

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿١﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ﴾

همان کسی که آفرید و بیاراست \* و آنکه اندازه کرد و راه نمود.

در آیه ۱۲ از سوره مبارکه انعام نیز چنین تصریح شده است:

﴿... كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...﴾

... رحمت را بر خویش واجب داشته است ....

این وجوب و لزوم، باید جبری و انشایی نیست، بلکه باید اخباری است؛ لذا می‌گوییم: برخداوند واجب است که برای انسان، هادی بفرستد.<sup>۱</sup>

طبق آیات قرآن کریم هیچ مردمی بدون منذر و هادی نبوده‌اند. این امر در آیات قرآن که به این موضوع اشاره کرده، توجیه قرار گرفته است:

﴿وَلَقَدْ نَعَجْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا...﴾<sup>۲</sup>

در میان هر امتی پیغمبری انگیزتیم ....

و

﴿... وَإِنْ مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾<sup>۳</sup>

۱- برخی افراد معتقد به دین و روش الهیون گمان کرده‌اند که این تعصبات یعنی «بر خدا لازم یا واجب است» توهین به ذات اقدس الهی است و بنده را حق چنین افکاری نمی‌دهد. این تفکر همان باور اشاعره در بحث عدل است که می‌گویند: «خدا عادل است یعنی هر کاری بکند همان عدل خواهد بود، ولو به جهنم بردن بی‌گناه و انسان معصوم». اما در اعتقاد شیعه این سخن مردود است و عدل به این معناست که حق هر کس به او داده شود و خداوند به حق هر کس را به وی بدهد.

این باید، باید انشایی نیست، یعنی بایدی نیست که ما امر کنیم، بلکه باید اخباری است یعنی ما از آن خبر می‌دهیم، مثل اینکه می‌گوییم: «خدا باید یکی باشد و نباید ظالم باشد».

۲- سوره نحل، آیه ۳۶

۳- سوره قاطر، آیه ۲۴

... و هیچ امتی نیست جز آنکه بیم‌رسانی در آن گذشته است.

یا:

﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا...﴾<sup>۱</sup>

آنگاه رسولانمان را پیوسته فرستادیم ....

و نیز:

﴿... إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾<sup>۲</sup>

... تو تنها بیم‌دهنده‌ای و هر گروهی رهنمونی دارد.

در آیه ۱۷، سوره مبارکه غافر نیز آمده است:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ

مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ﴾

و پیش از تو نیز رسولانی فرستادیم، از آنان کسانی‌اند که خبرشان را برای تو نخوانده‌ایم ....

ذکر همه رسولان الهی به میان نیامد، بلکه ما از همه آن‌ها مطلع نیستیم ولی اجمالاً می‌دانیم که هیچ مردمی بدین تذکر و هدایت نبوده‌اند. این سخن در قاعده لطف متکلمین مطرح شده است و به بیان دیگر از سوره مبارکه لیل، تأیید و تأکید دیگری بر آن است:

۱- سوره مؤنون، آیه ۴۴

۲- سوره رعد، آیه ۷

۳- متکلمین و قائلین به مباحث عقلی در باورهای دینی می‌گویند: «چون خداوند حکیم، عادل و رحیم است، از باب لطف انسان را تنها نمی‌گذارد و آنچه را که برای هدایت او لازم است، تا حدی که به جبر نیانجامد برای او قرار می‌دهد». لذا از باب قاعده لطف بر خداوند است که نبی و امام قرار دهد؛ همان‌گونه که در درون انسان مکلف باید عقل قرار دهد.

﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾

به راستی که راه نمودن برماست.

بنابراین برای سعادت‌مند شدن، رسیدن به حیات طیبه انسانی و نیل به کمال حقیقی فردی و اجتماعی باید پیرو انبیاء علیهم‌السلام شد. در قرآن کریم فلاح و رستگاری از آن مؤمنین دانسته شده است و چنین بیان می‌گردد:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>۱</sup>

ای کسان مؤمنان رستگاران.

خداوند در آیه ۶۵ از سوره مبارکه نساء در خصوص مردم پس از نزول قرآن و مکتب اسلام می‌فرماید:

﴿فَلَا يَكُنَّ يَؤُسُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِيهِ غِلَظًا مِّنَّا قَضَيْتَ وَتُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

به پروردگارت قسم که ای رسول ندارند تا تو را در آنچه که بینشان اختلاف واقع می‌شود حاکم کنند و پس از دادن رأی‌های خویش از آنچه که حکم کرده‌ای شکی نیابند و بی‌چون و چاروا تسلیم شوند.

طبق آیه فوق مردم مؤمن نیستند مگر آنکه تسلیم و محض و پیرو همه جانبه فرستاده خدا باشند و اگر مؤمن نباشند رستگاری نیز نخواهند بود. پس لازمه رستگاری پیروی از برگزیدگان خدایی است.

هم تاریخ گواهی می‌دهد و هم در منابع دینی الهیون آمده است که همیشه در مقابل برجستگان و برگزیدگان الهی مخالفینی قد علم می‌کردند و با آن‌ها به مبارزه می‌پرداختند.

خداوند در آیه ۸۷ از سوره مبارکه بقره می‌فرماید:

﴿... أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ أَسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾

آیا هرگاه رسولی برای شما احکامی بیاورد که برخلاف هوای نفسان باشد تکبر به خرج می‌دهید و عده‌ای را دروغگو می‌شمارید و عده‌ای دیگر را می‌کشید؟

دلیل بر این مخالفت‌ها معلوم می‌کند که:

الف: برخاسته از آن نسبت به مقام اولیای الهی (علیهم‌السلام) جهل داشتند و شأن و منزلت آن‌ها را در نیافته بودند، لذا آن‌ها را بر نمی‌تافتند. علت اصلی این مخالفت‌ها جهل و عدم شناخت صحیح بوده‌است. آنان به گمان صحت اعتقاد خود و بعضی را برگزیدگان الهی (علیهم‌السلام) به مبارزه با آن‌ها بر می‌خاستند و می‌کوشیدند که آن‌ها را شکوب کنند.

در عصر ما نیز این جهل فراوان است و یکی از وظایف اصلی و پایه‌ای معتقدین به راه انبیاء (علیهم‌السلام) روشننگری و شناختن حقیقت دین و مقام اولیای الهی است.

ب: گروهی دیگر از مخالفان برگزیدگان الهی (علیهم‌السلام) را اب‌عناد، لجبازی و غرض‌ورزی به مخالفت با اولیای الهی (علیهم‌السلام) بر می‌خنیدند و بزرگان را نیز گمراه می‌سازند. اینان در هر عصر بوده‌اند و در دوره ما نیز هستند. رسانه‌های عمومی، ماهواره‌ها و اینترنت در خدمت هر دو دسته مذکور می‌باشند و با تلاش وافر به لوٹ کردن راه حق می‌پردازند.

اصل مشترک هر دو گروه، معرفی نمودن حقیقت و تحقیر شأن و

منزلت پیشتازان راه خدایی است. آنان تلاش دارند که راه خدایی را راهی کهنه و از ویژگی‌های دوران جاهلیت معرفی کنند و اعتقاد دینی را با علم و تمدن امروزی ناسازگار بدانند.

با کمال تأسف برخی از مدعیان پیروان الهی نیز، شاید به جهت جهل و عدم تحقیق همه جانبه و با توجه به ظواهر برخی از آیات قرآن کریم یا روایات غیر مستند، باورهایی را رواج می‌دهند که با حقیقت برگزیدگان الهی علیهم‌السلام سازگار دارد. از جمله این حقایق علم و عصمت برگزیدگان خدایی است. در این شرایط وظیفه پیروان اولیای الهی علیهم‌السلام است که با دلایل متقن عقلی و نقی به طرح و اثبات این مطلب بپردازند.

از ویژگی‌های پیشوایان الهی علیهم‌السلام این است که به جهت اصطفا‌ی الهی و تأیید وحی، هم به تمام حقایق کمال بخش انسان‌ها عالم هستند و هم از خطا، اشتباه و گناه محصوم می‌باشند که البته در غیر این صورت نقض غرض صورت می‌پذیرد.

حقیر توفیق یافتم تا این مباحث را در سیمای جمعه طی جلساتی متمادی با جمعی از تحصیل کرده‌ها و متفکرین به بحث و شنود و بحث بگذارم. به حمدالله بخش اول مباحث تحت عنوان «علم برگزیدگان در عقل و نقل و عرفان» در سال ۱۳۸۵ چاپ گردید و تا کنون به واسطه تجدید چاپ شده است که این خود نشانگر علاقه مندی افراد به طمع بررسی این گونه مباحث است. قسمت دوم نیز تحت عنوان «عصمت برگزیدگان در عقل و قرآن»، مشتمل بر دو جلد است که جلد نخست آن در خصوص انبیای عظام علیهم‌السلام تا قبل از حضرت خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم و جلد دوم آن که کتاب حاضر است در خصوص شخص نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم می‌باشد.

دییاجه / ۲۱

در این کتاب قبل از ورود به بحث عصمت پیامبر اسلام ﷺ و بررسی همه جانبه شبهات قرآنی وارد بر آن، ابتدا به بیان مقام بی‌همتا و جایگاه عظیم آن حضرت از دید آیات قرآن کریم می‌پردازیم تا مشخص گردد که بناست عصمت کدام شخصیت والای قرآنی را به بحث بنشینیم. به امید آنکه خداوند همه انسان‌ها را در شناخت صحیح سعادت‌بری نماید تا نقش اولیای الهی ﷺ را در دستیابی به سعادت واقعی دریابیم و الپیراهن روشن آنان باشیم.

محمد اسدی گرمارودی

پنجم رجب المرجب ۱۴۳۴ هجری قمری

مطابق با ۱۳۹۲/۲/۲۶ هجری شمسی